از شر شيطان رانده شده به خدا پناه مي برم
بنام خدا بخشنده مهربان

۱ عظمت و بزرگي خدا

مشكل اصلي انسانها عدم درک مقام و رتبه خدا است. انسانها هنوز قدرت و عظمت خدا را درک نكرده اند. هر چند كه ظاهرا خدا را ستايش مي كنند. نشانه هاي زيادي اين مورد را تاييد مي كنند كه مشكل اصلي انسانها عدم درک قدرت و عظمت خدا است. كسي كه در نماز و دعاها نام محمد را در كنار نام خدا قرار دهد، يا اين كه اصلا نمي داند خدا كيست و او را درک نكرده است و يا اين كه اصلا نمي داند كه محمد كي بود. كسي كه مقام و عظمت خدا را حس كند، هيچوقت به خود اجازه نمي دهد كه نام كسي ديگر را در كنار او قرار دهد. كسي كه بداند

تمام آسمانها و زمين ساخت خداي يگانه است، هيچوقت در نمازها نام محمد را ذكر نمي كند. اگر از يک فرد عادي بپرسيد كه چه كسي آسمان و زمين را آفريده است؟ او جواب خواهد داد خدا. اگر از او بپرسيد كه چه كسي مرگ و زندگي را آفريده است؟ او خواهد گفت خدا. اگر از او بپرسيد چه كسي به شما خانه و ماشين داده است، خواهد گفت خدا. با اين اوصاف محمد براي شما چه كار كرده اند؟ چرا وقتي خدا را ذكر مي نمائيد ، ساده مي گوئيد "خدا". در حالي كه وقتي اسم محمد را ذكر مي كنيد، بر او سلام و صلوات مي فرستيد؟ آيا كارهايي كه خدا براي شما انجام داده است از كارهاي مقدسين شما كمتر است؟ اگر شما در اين حالت به سر مي بريد، يعني اينكه عظمت خدا را هنوز درک نكرده ايد.

٢ مردن بهتر از برده شيطان بودن است

ما قبلا در بهشت بوديم و در خوشبختي كامل زندگي مي كرديم.

اما نفس ما سركش شد . خدا مي توانست در همان موقع ما را به جهنم بيندازد. اما خدا فرصت ديگري به ما داد . خدا مي خواست كه ما خودمان نفس خويش را ببينيم . خدا مي خواست كه ما خودمان نفس بد خويش را ببينيم. تا كه مشخص شود ما خود خطا كاريم . خدا ما را آفريده است كه به ما رحم كند. او مي دانست كه تعداد محدودي از موجودات ميان انسانها و جنها شايسته بهشت خواهند بود. به همين خاطر فرصت ديگري به ما داد تا كه به ما رحم كند و ما را از آتش جهنم نجات دهد. به همين دليل خدا در آيه ۳۰ سوره بقره به فرشتگان مي فرمايد كه من چيزي مي دانم كه شما نمي دانيد. خدا مي دانست كه عده كمي از انسانها و جنها موفق به توبه خواهند شد و شايسته نيست كه وارد جهنم شوند. ما در امتحان به سر مي بريم. پس بايد تمام توجه خود را به امتحان محدود سازيم. آيا كسي كه در سر جلسه امتحان مشغول بازي است مي تواند قبول شود؟ مطمئنا نه؟

اگر تو مي دانستي كه انجام دستورات خدا چقدر لذت بخش است، هيچوقت دستورات او را ناديده نمي گرفتيد. دستورات خدا

پيشنهادات نيست ، بلکه بايد انجام پذيرد. کسي که اين مورد را ناديده گيرد ، برده شيطان خواهد شد. مردن بهتر از برده شيطان شدن است.

۳	يک ميليارد!

بعضي ها مي گويند که اگر خدا يک ميليارد به من بدهد ، ديگر او را پرستش خواهم کرد و قدر او را خواهم دانست. اين افراد براي خدا شرط و شروط تعيين مي کنند. اين نشان مي دهد که آنها هنوز نفهميده اند که خدا چيزهاي زيادي بهتر از يک ميليارد به آنها داده است. تصور کنيد که صورت شما نصف سالم و نصف سوخته باشد؛ آيا حاضريد که يک ميليارد را بدهيد در ازاي يک صورت سالم؟ بله شما حاضريد. پس مي بينيد که خدا خيلي نعمتهاي يک ميلياردي به ما داده است که قابل شمارش نيست. آيا خدا قابل ستايش نيست؟ آيا خدا شايسته تر از ديگران براي خواندن نيست؟ ايا شايسته و بايسته نيست که خداي را

روزي هزاران بار سپاس و ستايش گوييم.

۴	دستكاري در خلقت خدا

تصميم گرفتم كه هر آنچه از مشكلات روحي در محيط زندگي و كار خويش مي بينم در اين وبلاگ قرار دهم. گفتن واقعيتها بهتر از هر چيزي آموزنده تر است. در خلقت خدا دستكاري نكنيد. بعضي از مردم بدون هيچگونه دليل پزشكي قسمتهاي مختلف بدن خويش را عمل جراحي انجام مي دهند تا كه زيباتر شوند. اين يكي از حيله هاي شيطان است. من كسي را مي شناسم كه بدون دليل پزشكي بيني خويش را عمل كرد. اما بعد از عمل حالا او هر سال بايد اين عمل را تكرار كند زيرا داخل بيني او بعد از عمل جراحي هر سال گوشت اضافي در مي آورد . و همين مورد تنفس را براي او مشكل مي سازد.
مخصوصا اين مورد در بين خانمها رواج زيادي دارد . اين مورد ضررات زيادي از جمله جاني و مالي در بر دارد. بينيي

که عمل شده براي زيبايي ، هزينه نگهداريش بالا مي رود. از نظرمن اين اسراف است و تغيير در خلقت خداست. کسي که خدا را فراموش کند، به هر دري مي زند تا که موقعيت از دست رفته خويش را بازيابد.

[4:119] من آنان را گمراه خواهم کرد. من آنان را به دام خواهم انداخت. من به آنان فرمان خواهم داد که (برای حرام کردن بعضی از گوشت ها) گوش چارپایان را علامت نهند و به آنان فرمان خواهم داد که خلقت خدا را تحریف کنند." هرکس به جای خدا، شیطان را به مولایی قبول کند، زیانی آشکار متحمل شده است.

۵	بردگي نامرئي

امروزه گناه همه جا را گرفته است. بعضي گناهان آشکارا انجام

مي شوند و بعضي گناهان ، گناهان دروني هستند. در حال حاضر شيطان روي گسترش گناهان دروني متمركز شده است. خيلي از مردم در تمايلات جنسي غرق شده اند. حتي كساني كه ازدواج كرده اند ، از ديدن فيلمهاي غير اخلاقي لذت مي برند. گناه تمام جهان را در برگرفته است. كسي به فكر نجات خويش نيست. مردان و زنان متاهل در فكر خيانت به همسرانشان هستند. گناه تمام جهان را گرفته است. خيلي از مردان و زنان فيلمهاي خيانت را دوست دارند. همه مردم برده تفكرات جنسي هستند. همه مردم برده شيطان شده اند. چطوري مي توان از اين بردگي نجات يافت؟ بهترين راهكار، راهكار خداست. فردي را تصور كنيد كه در يک باتلاق گير كرده است. اگر او فكر كند كه داخل باتلاق محل زندگي اوست، او ديگر تلاشي براي نجات خويش نمي كند. زيرا او به همين زندگي راضي است. اما اگر او متوجه شود كه در بيرون باتلاق زندگي به صورت بسيار متفاوتي جريان دارد، او بيدار خواهد شد. او بايد متوجه شود كه لذت در باتلاق، اصلا لذت نيست. او بايد متوجه شود كه ماندن

در باتلاق یک نوع بردگي است. فردي که در شهوات خود غرق شده است، بايد بداند که برده شيطان شده است. کسي که به جاي همسر خويش ، از فيلمهاي مستهجن لذت مي برد ، بايد بداند که برده شيطان شده است. جن همنشين او کنترل ذهن او را در دست دارد. بايد هر جوري شده از اين خواب بيدار شود. او بايد بداند که بوسيله شيطان هيپنوتيزم شده است. در هيپنوتيزم مي توان به فرد هيپنوتيزم شده ، غير واقعيتها را واقعي جلوه داد. اين دقيقا کاري است که اجنه با انسانها انجام مي دهند. اين یک نوع مريضي روحي است. در واقع خطرناک ترين مريضي است. مريضي بدن را مي شود کاريش کرد، اما مريضي روحي به اين سادگي قابل درمان نيست. در اين حالت فقط یک راه وجود دارد و آن هم اين است که بايد به سوي خدا رفت. بايد از هر وسيله اي استفاده کرد و بسوي خدا رفت. کسي که در باتلاق گير کرده است، بايد هرجوري شده باتلاق را ترک کند. مادامي که باتلاق را ترک نکند ، نمي تواند از دست شيطان خلاص شود اگر شما به چنين باتلاقي نزديك شده ايد ، هر چه سريعتر

به خداي خويش پناه بريد و بدن خويش را از كثافات باتلاق پاك كنيد. همانطور كه خدا دستور فرموده است غسل كنيد. به سوي خدا برگرديد، مطمئنا خدا شما را هدايت خواهد كرد.

[37:99] او گفت: "من به سوی پروردگارم می روم؛ او مرا هدایت خواهد کرد."

۶	شكرگذاري

اين روزها در آمريكا هفته شكرگذاري است. آنها در اين روزها نعمتهاي خدا را سپاس مي گويند. خارجي ها بعضي عادات خوب دارند كه قابل تامل است. مثلا قبل از غذا خوردن دعا ميخوانند و از نعمتهاي خدا تشكر مي كنند. اما مسلمانان در آخر غذا اين كار را مي گويند. اين نكات بسيار ريز قابل تامل است. در حالي كه اين هفته در آمريكا هفته شكرگذاري است ، در ايران تاسوعا و عاشوراست. اين خواست خداي يكتاست كه اين

دو حادثه در سال ۲۰۱۲ در يك هفته جاي گرفته است. حادثه اولي براي تشكر از نعمتهاي خداست، اما حادثه دومي براي بنده خداست. حسين هم بنده خدابود كه در راه خدا شهيد شد. كسي كه مي خواهد از حسين پيروي كند بايد مثل حسين يكتاپرست باشد و هميشه در فكر و ذكر خدا باشد؛ نه اينكه يك هفته را به حسين اختصاص دهد و در فكر و ذكر حسين باشد. عاشورا و تاسوعا در اديان قبلي وجود داشته است؛ با اين تفاوت كه آنان در اين روزها مراسم شكرگذاري از نعمتها و پيروزهاي خدا دادي را انجام مي دادند.

۷	از رحمت خدا خود را محروم نكنيد

ديشب در تلويزيون شبکه جام جم يک فيلم ديدم که در آن بازيگران فارسي حرف مي زدند اما به صورت زيرنويس به انگليسي ترجمه مي كرد. يكي از بازيگران گفت "يا حسين". اما زيرنويس آن به انگليسي نوشته بود "Oh God". سوالي كه

اینجا نمود پیدا مي کند این است که چرا مترجم عبارت یا حسین را به "Oh God" ترجمه کرد؟ اگر "یا حسین" گفتن درست است پس چرا باید مخفي شود. حتي خود مترجم فیلم هم متوجه شده است که باید عبارت را به "یا خدا" ترجمه کند. اي کاش مردم ایران این مورد را متوجه مي شدند. یکي از آرزوها و دعاهاي من همین است. اي کاش مردم ایران به جاي یا حسین و یا علي گفتن، یا خدا مي گفتند. اگر مردم ایران این موارد را رعایت نکنند، دچار بدبختي بزرگي خواهند شد. زندگي همه مردم به هم خواهد ریخت. بعضي چیزها را نمي توان امتحان و آزمایش کرد. مثلا کسي نمیتواند ماده سمي روي خود آزمایش کند تا ببیند که آیا ماده سمي کشنده است یا نه؟ مورد تقاضاي کمک از خدا و مقدسین هم همینطور است. این که مي گویم یا حسین و یا علي گفتن ناشکري است نسبت به خداي یکتا، یک واقعیت است و عذاب خدا را به همراه دارد. آزمایشش نکنید، زیرا رحمت خدا را از دست خواهید داد.

۸ ایمان آوردن به روز آخرت به چه معناست؟

ايمان آوردن به روز آخرت به چه معناست؟ خيلي از مردم فكرمي كنند كه به روز آخرت ايمان دارند. آنها مي دانند كه روز آخرتي وجود خواهد داشت . اما از نظر قرآن تعداد بسيار كمي از مردم جهان به روز آخرت ايمان دارند. از نظر قرآن تعداد كمي از مردم واقعا روز قضاوت را قبول دارند. از نظر قرآن آخرين كتاب آسماني ، كسي كه روز آخرت را بر اين دنيا ترجيح ندهد ، يعني اينكه به روز آخرت ايمان ندارد. خيلي از مردم ظاهرا روز آخرت را قبول دارند ولي در واقع به آن ايمان ندارند. كسي كه اين دنياي فاني را بر جهان آخرت ترجيح دهد ، يعني اينكه به روز آخرت ايمان ندارد.

[۱۶:۹۷] هر کس اعمال پرهیزکارانه انجام دهد، چه مذکر و چه مؤنث، در حالی‌که ایمان داشته باشد، ما مطمئناً زندگی

سعادتمندانه ای در این دنیا به او خواهیم داد و (در روز قضاوت)به خاطر اعمال پرهیزکارانه شان مطمئناً پاداش آنها را کامل خواهیم پرداخت.

کسي که به روز آخرت ایمان دارد، باید روز آخرت را بر این جهان ترجیح و برتري دهد. . اگر لازم باشد باید همه چیزش را براي آن روز بدهد، حتي جانش را. باید براي آن روز کار کند ، بطوریکه زندگي این جهان را به آن جهان متصل کند. باید براي ملاقات با پروردگار تلاش کند. طوریکه انگار فردا روز قیامت است.

[27:4] کسانی که به آخرت ایمان ندارند، ما اعمالشان را در نظرشان زیبا جلوه می دهیم. بنابراین، آنها کورکورانه ادامه می دهند.

۹	شک در خدا

به نام خدا

انسان در حين مشكلات به خدا فكر مي كند و از خدا تقاضاي كمک مي كند و از او توقع كمک دارد. خدا او را كمک مي كند و مشكلات را از سر راه بر مي دارد. خدا دعاهاي خالصانه را بدون استثنا جواب مي دهد. اما بعد از مدتي يک تفكر شيطاني سراغ فرد مي رود. فرد در اين حالت دچار شک مي شود كه آيا واقعا خدا در آن مشكل كمكش كرد يا قوانين طبيعت كمكش كرد؟ او از خودش مي پرسد كه آيا خدا در آن مشكل كمكش كرد يا اينكه اتفاقي توسط عوامل طبيعت حل شد؟ بچه ها وقتي بزرگ ميشوند فكر مي كنند كه پدر و مادرشان وظيفه داشته اند كه بزرگشان كنند . آنها كمتر از زحمات پدر و مادر تشكر مي كنند. آنها فكر مي كنند كه پدر و مادرشان مثل ساير والدين وظايف طبيعي و عادي خويش را انجام داده اند. اين خصوصيت همان خاصيت ناشكري و كفر است كه در سايز بزرگتر نسبت به خدا انجام مي پذيرد.

يکي زماني در ته دلش از خدا خانه و ماشين مي خواهد، خدا به او مي دهد. اما بعد که صاحب ماشين و خانه شد، اين فکر در وجود او رخنه مي کند که او هم مثل ساير مردم از طريق تلاش خود صاحب خانه شده است. اين همان خودخواهي است که شيطان به انسانها وسوسه مي کند. اين نوع خودخواهي باعث ميشود که انسان همه چيز را نهايتا از آن خود بداند. انسان خيلي زود از ياد مي برد که يک زماني صاحب خانه و ماشين نبود و او در ته دلش از خدا اين دو را طلب مي کرد. اين نوع خودخواهي مقدمه کفر و ناسپاسي است. گاهي اين نوع ناسپاسي ها آنقدر ادامه مي يابد که فرد کافر ميشود بدون اينکه خود بداند. اين خودخواهي باعث فراموشي خدا ميشود. با اين حال خدا چنين فردي را از نعمتهايش محروم نمي کند. او به اين فرد بارها و بارها کمک مي کند تا که شايد فرد به طرف خدا برگردد. خدا اين است، خدا بسيار صبور و بخشنده است. کمکهاي خدا به ما ناديدني است. درک آن شعور و تدبر مي خواهد. کسي مي تواند آن را درک کند که محبت خدا در دلش

بيشترين باشد. خدا انسانهاي ناسپاس و كافر را به بهشت نمي برد زيرا آنها با توجه به شرايطي كه براي خود بوجود آورده اند، نمي توانند وارد بهشت شوند و آنها نمي توانند در بهشت زندگي كنند.

۱۰ قراردادن نامهاي ديگر در كنار نام خدا

چند روز پيش در يكي از شبكه هاي سيما ، يكي از مقامات ايراني در جلسه افتتاح یک پروژه جلسه را با جمله "با نام خدا ، رهبري و رئيس جمهور" شروع كرد. خيلي از افراد به اين جمله اعتراض كردند و آن را شرک ناميدند. حتي بعضي از روزنامه ها هم اين جمله را نكوهش كردند. بايد از آنها پرسيد كه چرا گفتن چنين جمله اي را نادرست مي دانند؟ آيا به خاطر قراردادن نامهاي ديگر در كنار نام خدا؟
حتي روزنامه هاي تحت نفوذ حاكميت، زشتي چنين جمله اي را

تشخيص دادند. اما بياييد برگرديم به سراغ حوادث مشابه اين كه كسي هم تا بحال اعتراض نكرده است. مثلا خود رئيس جمهور درمراسم افتتاح خيلي از پروژه ها ، آن را با عبارت "با نام و ياد امام زمان" آغاز مي كند و خيلي از مقامات ديگر هم همين كار را مي كنند. بايد توجه كنيد كه كل قرآن با نام و ياد خدا شروع ميشود. اما بايد پرسيد كه چرا چنين افرادي جملات خويش را با نام و ياد غير خدا ياد مي كنند؟ ريشه چنين عملي از كجا نشات مي گيرد؟ ريشه اين عمل از همانجايي نشات مي گيرد كه مسلمانان نام غير خدا را وارد نماز و اذكار روزانه كردند. "غير خدا" شامل تمام افراد ميشود.

يک زماني با يكي بحث مي كرديم كه چرا نبايد نام كسي را در كنار خدا ذكر كرد. او براي من آيه اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولوالامر منكم را مثال زد. او در جواب گفت كه پس چرا خدا خودش بعد از نام خود اسامي رسول و اولوالامر را ذكر نموده است. من آن موقع هر دليلي كه بلد بودم ذكر كردم تا كه او را متوجه كردار زشتش كنم، اما متاسفانه او قادر به درک اين

مورد نبود. ممكن است كه او اين مقاله را مطالعه كند. من او را دعوت مي كنم به تفكر و تدبر در مورد اين سوال. آيا گفته اين مقام سياسي كشور كه بعد از نام خدا نامهاي افراد ديگري را ذكر مي كند هم درست است؟

[39:45]

هنگامی که فقط نام خدا برده شود، قلب های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، با بیزاری می گیرد. اما هنگامی که نام دیگران در کنار او برده شود، راضی می شوند.

خدا در آيه اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولوالامر منكم گفته است كه اطاعت كنيد ، او نفرموده است كه با نام و ياد خدا و رسول. در اين آيه فقط اطاعت از خدا مطلق است. ساير اطاعتها مشروط است. مشروط است به زمان و مكان و اعمال خاصي. هيچوقت اطاعت از غير خدا مطلق نيست. در مورد اولوالامر (صاحبان امر = كساني كه وظيفه اي در قبال ملت برعهده آنان است) اطاعت هم كاملا مشروط به مكان و زمان است. در واقع

اطاعت در قبال چيزي كه برعهده اولوالامر است مد نظر است. فرض كنيد رئيس یک قبيله وظيفه دارد كه از افراد قبيله نگهداري كند، در رابطه با اين وظيفه افراد موظفند كه در جهت به انجام رساندن آن وظيفه كه برعهده اولوالامر است كوشا و تحت یک فرمان باشند. اين يعني اطاعت از اولوالامر. در واقع اطاعت از غير خدا به هيچ وجه مطلق نيست. فقط و فقط اطاعت از خدا مطلق است. اما اگر كسي در مسند رياست خود را صاحب جان و مال و (دين) مردم زيردستش بداند؛ بدون شک و گمان كفر مطلق است. اطاعت از اولوالامر فقط در شرايطي درست است كه اولوالامر طبق وظيفه خويش (كه فقط مربوط به امور دنيوي است مثل فراهم كردن شرايط راحت زندگي براي زيردستان و در اين مورد اولوالامر مثل ساير افراد جامعه است و مثل آنان دستمزد مشخصي مي گيرد) كه محدود و مشخص است عمل كند.

١١	حديث و سنت ابهت و تاثير قرآن را از بين برده اند

درصد رشد مصرف مشروبات الکلی سالانه در کشورهای اسلامی نزدیک ۷۰ درصد است. در حالی که درصد جهانی آن ۳۰ درصد است. این آمار وحشتناک است. آیا این همان اسلامی است که خدای قادر متعال صراحتا و بدون پرده در آن فرموده است که مشروبات الکلی حرام است. چیزی که جلب توجه می کند این است که چرا مردم به دستورات خدا در قرآن بی توجه اند. کسانی که مشروب مینوشند در حین نوشیدن از خوبی هم حرف می زنند! پس چرا نسبت به دستورات خدا بی توجه اند. از دید من کسی که نسبت به خدا بی توجه باشد، سایر حرفهای دیگرش هم کشک است. این را جدی می گویم. کسی که قدر و حرمت خدا را ارج ننهد، نمی تواند به هیچ اصولی پایبند باشد. گسترش حدیث و سنت در میان مسلمانان باعث شده است که دستورات غیرلازم در کنارقرآن گسترش یابد. قرآن خیلی جدی میفرماید که مشروبات الکلی حرام است. اما حدیث و سنت میگوید که از سمت چپ وارد دستشویی شوید. این دو تا دستور

را وقتی در کنار هم قرار دهید، خودبخود دستور اولی اهمیت خویش را از دست خواهد داد. زیرا هر بچه ای هم میفهمد که دستور دومی بی اهمیت و بچگانه است. دستورات موجود در حدیث و سنت باعث شده است که دستورات قرآن اهمیت و تاثیر خودش را از دست دهد. فرض کنید یکی به شما می گوید که من دو تا دستور به شما می دهم که باید هر دو را رعایت کنید. یکی اینکه دزدی نکنید و یکی دیگر اینکه نباید ایستاده آب بنوشید. در اینجا دستور اولی بسیار مهم و خط قرمز است. اما دستور دومی نه تنها مهم نیست بلکه غلط هم هست. قرآن و سنت هم همینطور هستند. دستورات قرآن بسیار مهم و حیاتی هستند. اما دستورات سنت بی اهمیت و در خیلی از موراد غلط هم هستند. زیرا قرآن از طرف خداست و اما حدیث و سنت از طرف خدا نیست. خدا ما را آفریده است و می داند که نفس ما به چه دستوراتی نیاز دارند. خدا دستور اضافی نمی دهد. خدا ما را با دستورات اضافی سردر گم نمی کند. خدا می توانست کتاب قرآن را در دو جلد نازل کند. او خداست کلمه کم نمی آورد. اما او این کار را

نکرد زیرا او می داند که همین مقدار برای ما کافی است.

۱۲	مردگان صداي ما را نميشنوند

مردگان صدای ما را نمی شنوند و از احوال زندگان بی خبرند. با این اوصاف، با مردگان راز و نیاز کردن کاملا بی نتیجه است. همانطور که زمان زنده بودنشان کاری از دست آنان بر نمی آمد ، زمانی که مردند به مراتب بی اراده تر می شوند و واقعا هیچ کاری از دست آنان بر نمی آید. عده ای از مردم با مقدسین خویش راز و نیاز می کنند، به این امید که مایه تقرب آنان به خدا شود. غافل از اینکه مردگان نمی توانند مایه تقرب به خدا باشند. بهترین دلیل عقلی برای این که مردگان قادر به انجام این کار نیستند این است که مردم به مقدسین خویش بلافاصله بعد از مرگ آنان قدرتهای ماوراء الطبیعه نسبت می دهند. در حالی آن افراد در زمان زنده بودنشان قادر به این کار نبوده اند. نه محمد و نه علی و حسین هیچوقت در زمان زنده بودنشان قادر به شفای بچه ها نبوده اند و هیچوقت هم برای

انجام آن اعلام آمادگی نکرده اند. با این اوصاف این افراد چرا باید بعد از مردن چنین معجزه ای پیدا کنند و صاحب چنین صفتی شوند؟ ایا این چیزی جز حیله و فریب شیطان است. آیا غیر از این است که شیطان ایده های خود را در قالب مردگان و افراد خوب که مرده اند به مردم قالب می کند؟! طلب کمک از غیر خدا به بهانه شفاعت و وسیله گرفتن بهترین حربه در طول تمام تاریخ برای گمراه کردن مردم بوده است. شیطان به این طریق میلیاردها انسان را در طول تاریخ گمراه نموده است. آیا زمان آن نرسیده است که از خواب غفلت بیدار شویم و به خود آییم. علی و حسین از صدا زدنهای مردم کاملا بی خبرند.

[٤٦:٥] وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ

[٤٦:٥] کیست گمراه تر از آنان که معبودانی را در کنار خدا می خوانند که آنها تا روز رستاخیز نتوانند پاسخشان دهند، و آنان از عبادات آنها به کلی بی خبرند؟

چرا باید از کسی طلب کمک کرد که صدای شما را نمی شنود؟ چه لذتی دارد!؟
خدا از رگ گردن به ما نزدیکتر است. شاید باور نکنید، خدا حتی از خود ما به نفس ما نزدیک ترو آگاه تر است.

[۸:۲٤] يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
[۸:۲٤] ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و رسول را پاسخ دهید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می خواند که به شما زندگی می بخشد. این را بدانید که خدا از قلب شما به شما نزدیک تر است، و اینکه نزد او احضار خواهید شد.

وقتی که نزدیک دو میلیون نفر از مردم در شهر اهواز برای زیارت یک ضریح بیرون می آیند. آیا کسی از خود نمی پرسد که امام حسین مرده است و صدای آنها را نمی شنود! و نمی

تواند نیازهای آنان را برآورده کند. صددرصد مردمی که به زیارت آن ضریح رفته بودند برای جلب منفعت و یا دفع ضرر و یا تقرب به خدا رفته بودند؛ از این سه حالت خارج نیست. اتفاقا آب شرب شهر اهواز در آن موقع کاملا آلوده بوده است. پس چرا امام حسین نتوانست مشکل اصلی دو میلیون نفر را حل کند؟ دهها هزار نفر در کربلا نزدیک حرم زندگی می کنند و هزاران مشکل دارند. چرا مشکل آنان حل نمی شود؟ آیا غیر از این است که فقط خدا قادر به حل مشکل مردم است. زمانی که ضریح از قم راه افتاد، من به یکی از دوستام گفتم که این ضریح دقیقا نوزده روز در ایران خواهد بود و همین طور هم شد. این نشانه ای بود از طرف خدا برای خودم. نوزده مضرب مشترک قرآن هم هست. از روز پنجم آذر تا بیست و چهارم آذر.
دریاچه ارومیه دارد خشک می شود؛ ایا به جز خدا کسی قادر به نجات آن است. اگر مردم ایران به امام حسین ارادت خاص دارند ، چرا از امام حسین برای نحات دریاچه کمک نمی خواهند؟ و چرا امام حسین نمی تواند برای مردمی که ارادت

خاص نسبت به او دارند، چنین کار مهمی از خدا بخواهد؟

دوست عزیزی که این وبلاگ را می خوانی، لطفا همین سوالات را از خانواده ات و دوستهایت بپرس. ایا غیر از این است که تمام مشکلات به دست فقط خدا حل میشود. اگر مردم منطقه ارومیه خالصانه از خدا نجات دریاچه را طالب شوند، صددرصد خدا آن را نجات خواهد داد. این را مطمئن باشید. خدا خداست، هرکاری برای او ممکن است.
قلب انسان مثل یک لیوان است که اگر در آن روغن بریزی، دیگر نمی توانی در آن آب بریزی. قلبی که پر از محبت امام حسین است، دیگر نمی تواند خدا را در خود جای دهد. لیوانی که هم آب در آن باشد و هم روغن؛ هیچکدام قابل استفاده نیستند و دیگر چنین قلبی قابل استفاده نیست. خدا برای هیچ انسانی دو قلب قرار نداده است. کسی که تمام زندگیش شده امام حسین، دیگر خدا در قلب او جایی ندارد.
[۲:۱٦۵] با این حال، برخی از مردم معبودانی را همتای خدا

قرار می دهند و به آنها چنان عشق می ورزند که گویی خدا هستند. کسانی که ایمان دارند بیش از هر کس، به خدا عشق می ورزند. اگر فقط ستمکاران می توانستند خود را هنگام روبرو شدن با عذاب ببینند، آنگاه متوجه می شدند که تمام قدرت‌ها فقط متعلق به خداست و عذاب خدا هیبت‌انگیز است

متاسفانه خیلی از مردم اهمیت این مورد را درک نمی کنند. من نمی دانم که چطوری و با چه زبان و لحن اهمیت چنین موردی را بیان کنم. واقعا دیگر از بیان این موضوع خسته شده ام. به انواع و اقسام مختلف و بوسیله انواع مثالها می خواهم که اهمیت این موضوع را در این وبلاگ بیان کنم. حتی در جاهای مختلف برای توجه افراد به اهمیت موضوع خواهش کرده ام، اما بسیار کم نتیجه گرفته ام. البته خدا از کسی خواهش نمی کند که یکتاپرست شود. زیرا خدا خودش می داند که چکار می کند و او افراد بهشتی را قبلا انتخاب کرده است. و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین.

۱۳ خدا باید بهترین خاطره شما باشد

خدا را آنقدر زیاد یاد کنید که یک خاطره خوب برای شما باشد. بعضی از مردم وقتی پدران و رسم و رسومات گذشته خویش را یاد می کنند، به نیکی و حسرت از آن یاد می کنند. مثلا می گویند که پدران ما چقدر خوب بوده اند. می گویند که تمدن ما در گذشته چقدر پیشرفته بوده است! آنان از گذشتگان و قبیله و قوم گذشته خویش تقدیر و تمجید می کنند. اما همین مردم هیچوقت به این اندازه از خدا به نیکی یاد نمی کنند. بعضی از مردم وقتی از خدا یاد می کنند که زلزله و یا اتفاق بدی برای آنها پیش آید. در این حالت اتفاق بد را به خدا نسبت می دهند. ای کاش مردم خدا را هم به اندازه پدران و تمدن گذشته خویش تقدیر و تمجید می کردند.

[۲:۲۰۰] هنگامی که مناسک را به جا می آورید، پیوسته خدا را یاد کنید. همان طور که پدر و مادر خود را یاد می کنید، یا

حتی بهتر. بعضی از مردم می گویند: "پروردگار ما، در این دنیا به ما بده،" در حالی که آنها هیچ سهمی در آخرت ندارند.

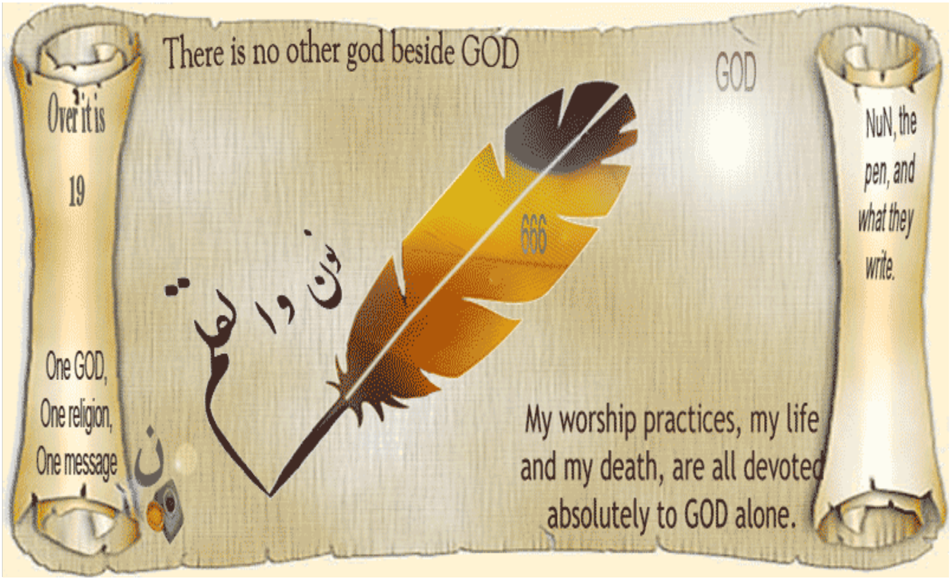
۱۴ انسان چقدر ضعیف است!

چند روز پیش بچه ام مریض بود. پیش پزشک بردم. یبوست داشت. پزشک گفت که باید آب بیشتر بنوشد. اما بچه به حرف ما گوش نمي كند و آب زياد نمي نوشد، به همين خاطر مشكلات زيادي برايش پيش آمد.

در آنموقع که بچه ام را درمانگاه بردم، پیش خودم فکر کردم که ما انسانها چقدر ضعیفیم! اگر دو روز یبوست داشته باشي و نتواني به دستشويي بروي، زندگي برايمان جهنم مي شود.

چطوري ميتوان يک انسان را در كنار خدا قرار داد ، در حاليكه آن انسان اگر فقط سه روز دستشويي نرود، تمام بدنش سست ميشود. چطوري مي توان به خود جرات داد كه يک انسان را به جاي خدا خواند، در حاليكه آن انسان كاملا نيازمند

خداست. اکثر مقدسين بعد از مرگشان بزرگ مي شوند. امام حسين زماني که زنده بود، در حادثه کربلا تنها گذاشته شد و کسي کمکش نکرد ولي بعد از مرگ مردم از او تقاضاي شفاي بچه مي کنند. فقط چند لحظه تصور کنيد که شما در زمان حسين بن علي بوديد. در آن زمان حسين بن علي مثل همه انسانهاي ديگر نماز به جا مي آورد و غذا مي خورد. حسين بن علي مثل انسانهاي ديگر مريض مي شد و هزاران نياز ديگر. او حتي نمي توانست بچه خودش را شفا دهد. حالا چطوري بعد از مرگش مي تواند نيازهاي ميليونها نفر ديگر را برآورده کند. متاسفانه شيطان همه را فريب داده است.


There is no other god beside GOD
GOD
Over it is
19
One GOD,
One religion,
One message
666
NuN, the
pen, and
what they
write.
My worship practices, my life
and my death, are all devoted
absolutely to GOD alone.